

غزل شماره ۹۸

اگر به مذهبِ تو خونِ عاشق است مُباح
صلاحِ ماهمه آن است کانِ تو راست صلاح

سوادِ زلفِ سیاهِ تو جاعِلُ الظُّلُماتِ
یَیاضِ رویِ چو ماهِ تو، فالِقُ الأصباحِ

ز چینِ زلفِ کمندت کسی نیافت خلاص
از آن کمانچه ابرو و تیرِ چشم، نِجاح

ز دیده ام شده یک چشمه در کنار روان
که آشنا کنند در میان آن، ملاح

لبِ چو آبِ حیاتِ تو هست قُوْتِ جان
وجودِ خاکی ما را از اوست ذکرِ رَواح

بدادِ لعلِ لبست بوسه ای به صدزاری
گرفت کامِ دلم زو به صد هزارِ احاح

دعای جانِ تو وردِ زبانِ مشتاقان
همیشه تا که بُود متصلِ مسا و صباح

صلاح و توبه و تقوی ز مامجو حافظ

ز رند و عاشق و مجنون کسی نیافت صلاح

تفسیر فال

هر چیزی را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران هم می‌پسند. این جمله به ما یادآوری می‌کند که باید در رفتار و نگرش خود نسبت به دیگران، انصاف و احترام را مد نظر قرار دهیم. وقتی خود را درگیر مسئله‌ای می‌کنی که رهایی از آن بسیار دشوار است، در واقع به دام افکار منفی و احساسات آزاردهنده‌ای افتاده‌ای که نه تنها بر زندگی شخصی‌ات تأثیر منفی می‌گذارد بلکه باعث دور شدن تو از اطرافیان نیز می‌شود. این گرفتار شدن به قدری عمیق است که ممکن است فراموش کنی افرادی را که روزگاری در کنار تو بودند و حمایت‌شان برایت ارزشمند بوده است. اما باید با قدرت و اراده‌ای قوی مقاومت کنی؛ حتی اگر این مقاومت مستلزم آن باشد که ناچار شوی دست به التماس بزنی. هرگز اجازه ندهید مشکلات تو را محدود کند یا سبب شود تا روحیه‌ات تضعیف شود. خود را از بند این قیدها رها کن و با شجاعت به سمت آزادی برو؛ زیرا زندگی پر از فرصت‌های نوین است که منتظر کشف

شدن توسط توست.

به کوشش : پارسی دی

منبع تفسیرها: آلامتو و سلام دنیا